

(جلد دوم)

صابر
راز گردانی

تفسیر محتوای سوره
فاطر بر مدار معرفت به
حضرت ولی عصر عج

www.ketab.ir

آل یاسین

جلد دوم

نویسنده: صابر رازگردانی

ناشر: انتشارات حقی

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ جلد

طراح جلد و قالب صفحات: علی یاراحمدی



ایمیل: Hafy.Pub@gmail.com

تلفن: ۰۲۱-۵۶۸۹۴۹۶۴؛ ۰۹۱۳۸۲۱۱۳۸۲

www.ketab.ir

سرشناسه: رازگردانی، صابر، صابر

عنوان و نام پدیدآور: آل یاسین، صابر رازگردانی

مشخصات نشر: تهران: انتشارات حقی، ۱۴۰۱

مشخصات ظاهری: ج: مصور؛ ۱۴ × ۲۱ س.م.

شابک ج ۲: ۷-۱۸-۵۵۷۹-۶۲۲-۹۷۸

شابک ج ۱: ۷-۹-۹۳۶۵-۶۲۲-۹۷۸

شابک دوره: ۳-۹-۹۳۶۵-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: ج ۲ (چاپ اول: ۱۴۰۲) (فایا)

یادداشت: کتابنامه

مترجمان: ج ۱: تفسیر محتوایی سوره یس بر مدار معرفت به حضرت ولی عصر (عج) -

ج ۲: تفسیر محتوایی سوره فاطر بر مدار معرفت به حضرت ولی عصر (عج)

عنوان دیگر: تفسیر محتوایی سوره فاطر بر مدار معرفت به حضرت ولی عصر (عج)

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - در قرآن

Muhammad ibn Hasan, Imam XII - In the Quran موضوع

موضوع: تفاسیر

Quran -- Commentaries

رده بندی کنگره: BP۱۰۲/۶۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱.۷۶۲۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فایا

تمامی حقوق مادی و معنوی برای نویسنده اثر محفوظ است

قیمت ۲۲۷.۰۰۰ تومان

تَقْرِيب

www.ketab.ir

والاثرين وزيباترين شهيد راه
حضرت فاطمة الزهراء عليها السلام
باب الحوايج وحامل اللّواء
حضرت ابا الفضل العباس عليه السلام

فهرست

۹.....	مقدمه
۲۳.....	سوره فاطر
۳۲.....	شکر شکافنده
۴۰.....	عزت دائمی
۴۶.....	سلام بر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۵۰.....	عرصه آگاهی
۵۷.....	فرای فکر
۶۱.....	هدایت متقارن ثقلین
۶۹.....	تابهار همدلی
۷۴.....	چشم انداز شناخت
۷۸.....	خشنودی اخروی محبتان الزهرا علیها السلام
۸۴.....	مسیر معطوف اسماء

- و «فاطر» فاطمه را آفرید ۸۹
- فاطمه ساداته و موطن الهدى المهدي عجل الله تعالي فرجه ۹۶
- وداد مراقب ۱۰۳
- قضیه مخالفان ولایت الله ۱۰۸
- از تبار امام علی ۱۱۲
- هَاهُنَا التَّوْحِيدُ ۱۱۵
- ادعیه دافعه ۱۱۶
- توسل به اهل البيت علیهم السلام در ستیز تکبر ۱۲۱
- کدام فروتنی ؟ ۱۳۲
- آستان عصمت ۱۳۶
- اصل نوین ۱۵۷



سوره فاطر، به آیتی شریف از «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا»^۱ تجلی یافته است. سؤالی که با «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»^۲ سخن از «فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ»^۳ می زند و تربیت را از بیداری در برابر فریب ها آغاز می کند که «فَلَا تَغُرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ»^۴.

سوره فاطر، عزت واقعی را در «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۵ معرفی می کند. چنانکه عالم آل محمد و امام رئوف حضرت رضا (ع) می فرمایند:

[فِي هَذِهِ الْآيَةِ] «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» [أَقُولُ] لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ، وَخَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ

۱- فاطر، آیه ۱.

۲- فاطر، آیه ۳.

۳- فاطر، آیه ۳.

۴- فاطر، آیه ۵.

۵- فاطر، آیه ۱۰.

اللَّهُ حَقًّا، وَخُلَفَاؤُهُ خُلَفَاءُ اللَّهِ، وَ«الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»
 عِلْمُهُ فِي قَلْبِهِ بِأَنَّ هَذَا [الْكَلَامَ] صَحِيحٌ كَمَا قُلْتُهُ
 بِلِسَانِي.^۱

سوره فاطر نیز مانند همه سوره های مبارک قرآن، ما را
 به قرآن ناطق رهنمون و رهبر است. آنهایی که به تلاوت
 سوره فاطر توفیق می یابند، باید بهتر توجه کنند که:

أنس باقرآنی که نتواند انسان را موالی حضرت فاطمه
 الزهراء (ع) سازد، تلاوتی نامأنوس، جامد و بایر می گردد
 که نتیجه ای روشن ندارد داشت.

أنس باقرآنی که نتواند انسان را به احترام و ارادت خانه
 حضرت فاطمه (ع) محترم سازد. نمی تواند فهمایه ای باشد
 که «صاحب الدولة الزهراء» به اجرای آن فرمان می راند.

۱- البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۵۳۹؛ فرمود: إِلَيْهِ يَضَعُ الْكَلِمُ
 الطَّيِّبُ منظور از کلمه «طیب»، گفتن: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
 عَلَيَّ وَآلِهِ وَخَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ حَقًّا وَخُلَفَاؤُهُ خُلَفَاءُ اللَّهِ است
 وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ؛ منظور از عمل صالح این است که انسان در
 قلب خود بداند که این عمل و کردارش، مطابق گفتار درست است.

اُنس با قرآنی که نشانه‌ها را پیجویی نکند، سراغ از غربت صاحب العصر نخواهد گرفت و هیچگاه از تفاسیر اشتباه‌رهایی نخواهد یافت.

اُنس با قرآنی که شوق صادقانه و دوستی نزاید و نسازد، فطر عطش‌های معرفتی نخواهد داشت و فجر را به «الفرج الاعظم» مهیا نمی‌کند.

اُنس با قرآنی که کاشف الغطاء از «کلمة الحق» نباشد، انسان را در حباب اموی زمان وارد می‌کند و دردستگاه‌های سهمگین شناختی بی‌سلاح و بی‌یاوررهای می‌سازد.

اُنس با قرآنی که در امتداد معرفت انبیا قرار نگیرد، نگین نازنین فرهنگ فاطمی را که در حلقه‌ی ناپیدا، نزد الغائب الغیب الغوث الغایة القصوی عصر فرار گرفته،

هیچگاه پیدا نخواهد کرد و شرکتی در تعجیل در فرج المؤمنین حضرت مهدی (عج) نخواهد داشت.

همه قرآن را آیاتی بزرگ و نورانی تشکیل داده‌اند و معرفت یافتن به معانی آن، هیچ بایسته‌نیازینی چون شناخت نور محمد و آل محمد (ع) ندارد.

شیخ معزز جناب صدوق (ع) روایت می‌کند:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةَ الْفَجْرِ فَلَمَّا انْقَضَتْ مِنْ صَلَاتِهِ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ قَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ افْتَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَسْتَمْسِكْ بِالْقَمَرِ وَمَنْ افْتَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَسْتَمْسِكْ بِالزُّهْرَةِ فَمَنْ افْتَقَدَ الزُّهْرَةَ فَلْيَسْتَمْسِكْ بِالْفَرْقَدَيْنِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا الشَّمْسُ وَعَلِيٌّ الْقَمَرُ وَفَاطِمَةُ الزُّهْرَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ الْفَرْقَدَانِ وَكِتَابُ اللَّهِ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ.

أنس بن مالک گویند چون رسول خدا ﷺ نماز صبح و تعقیباتش را انجام داد، چهره مبارکش به درگاه خدا را به جانب ما نموده، فرمود: مردم از خورشید استفاده می نمایند و هر کس که خورشید را از دست داد باید به نور ماه تمسک جوید، و هر کس که از ماه نیز محروم شد، به زهره تمسک جوید، و اگر زهره نیز از دیدش نماند باید به فرقدین

۱- معانی الأخبار، ج ۱، ص ۱۱۴؛ إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۲، ص ۶۳؛ إحقاق الحق و إزهاق الباطل، شوشتری، ج ۳۴، ص ۵۲۰.

تمسک جوید. آنگاه پیغمبر ﷺ فرمود: من خورشیدم
و علی بن ابی طالب ماه و فاطمه علیها السلام زهره و حسن و حسین علیهم السلام
فرقدان (دوبرادران)، که با کتاب خدا، از هم جدا نگردند
تا اینکه بر لب حوض (کوثر) بر من وارد گردند.

واژه تمسک، دارای معنی بسیار جامع و رسایی
می باشد. کلمه ای که به خوبی هر چه تمام، بیانگر
محتوای رابطه ما با اهل البیت پیامبر ﷺ و فحوای
گزینش و گرایش دلبسته به آنهاست.

تمسک یعنی: آویختن و قدرت چنگ زدن، پناهنده
و ملتجی گشتن، تبعیت، وابستگی، تمکین، الصاق،
هواخواهی، متوسل شدن، پایبندی، التزام و عهد.

از طرفی می فرماید: «وَكِتَابُ اللَّهِ لَا يَفْتَرِقَانِ». یعنی
آنها جدایی ناپذیرند و نباید میان آنها فرقی بگذاریم و این
انسجام و عدم تفریق و پراکندگی، منوط و موکول به یک
بهره مندی و پایبندی به «حَقِّي يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» شده است.
ترتیب قرب به خورشید نبوی، در این روایت آشکار است
و به میزان بستگی و حیانی و صمیمیت معنوی عترت اشارت
دارد.

بازشناخت عجین ثقلین، بهترین راهبرد محمدی است و وقوف به قرآنی که با این عَجِینَةُ الصَّقْلِ همراه شود، همسوی با معارف انبیا می باشد.

عمود شرف الدین حضرت امام صادق (ع) می فرماید:
 «مَا تَنَبَّأَنِي قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّقَاتِنَا وَبِفَضْلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا»
 هیچ پیامبری به مقام نبوت نرسید مگر به دانستن حق ما و رجحان دادن ما بر سایرین.

و در روایت دیگری اینگونه وارده شده است که:
 «مَا مِنْ نَبِيٍّ نَبِيٍّ وَلَا رَسُولٍ أُرْسِلَ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا وَبِفَضْلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا»^۱

به امید بزرگ آن روزی که معنای «وَلَايَتِنَا» اُمَمِیَّةً إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ^۲ ظهور نماید و تفسیر حقیقی قرآن کریم از زبان عالی ترین حامل و ضیاء مرضی قرآن شنیده گردد.

۱- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، ج ۱، ص ۷۵.

۲- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، ج ۱،

ص ۷۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۱۴

۳- فاطر، آیه ۲۴.

امام مفسر قرآن و «مَهَيْطُ الْوَحْيِ» که راه و کلام او، طراوت بهشت را نوید می دهد. «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي» «وَادْخُلِي جَنَّتِي»^۱. چنانکه حضرت محمد رسول الله ﷺ فرمودند: هر کس سوره ی الملائکة (فاطر) را بخواند، در روز قیامت سه دروازه از بهشت او را صدا می زنند که از هر دری خواهی وارد شو.^۲

ما در طلب و تهدی او هستیم که این فرصت بازو برابر در حلاوت ایمان به غیب نهفته است که «إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ يُبْدِئُ الصُّدُورِ»^۳.
گر در طلب گوهر کانی کانی
ور زنده بیوی وصل جانی جانی
القصه حدیث مطلق از من بشنو
هر چیز که در جستن آنی آنی^۴

۱- فجر، آیات ۲۹ و ۳۰.

۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶۲۴.

۳- فاطر، آیه ۳۸.

۴- ابوسعید ابوالخیر

سوره فاطر، به دلیل اینکه با جمله «الحمد لله» شروع می شود در کنار چهار سوره «فاتحة الكتاب، انعام، كهف و سبأ» مشهور به سوره های حمد می باشند.

سوره فاطر، در کنار چهار سوره دیگر «نور، غافر، الرحمن و اعلی» از سوره هایی می باشند که به یکی از نام های خدای تبارک و تعالی متبرک هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْحَمْدَيْنِ جَمِيعاً حَمْدَ سُبْحَانَكَ فَاطِرٍ، مَنْ قَرَأَهُمَا فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ لَمْ يَزَلْ فِي لَيْلَتِهِ فِي حِفْظِ اللَّهِ مِنْ كَلَاةٍ وَ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي نَهَارِهِ لَمْ يُصِبْهُ فِي نَهَارِهِ مَكْرُوهٌ وَأُعْطِيَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ خَيْرِ الْآخِرَةِ مَا لَمْ يَحْظَرْ عَلَى قَلْبِهِ وَلَمْ يَبْلُغْ مِائَةً.

امام صادق (ع) فرمودند: هر کس دو سوره سبأ و فاطر را که با حمد آغاز می شوند، چنانکه شب تلاوت کند تمام آن شب را در صیانت و نگهداری خدای تعالی سپری خواهد کرد، و چنانچه این دو سوره را در روز بخواند،

۱- تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۶،

در آن روز به هیچ چیز ناپسندیده گرفتار نخواهد شد،
و آن طور از خیر دنیا و آخرت به او بخشش می گردد
که هرگز بر ضمیرش نگذشته و هیچگاه خبری از آن
نداشته است.

سوره فاطر، اعجازی از حمد و ستایش است. برهانی
که می تواند محب را محبوب بگرداند و لذتی روحی و الهام
بخش را در وجود انسان جریان دهد.

فتح بن یزید، جرجانی نقل می کند که خدمت امام
رضا (ع) نامه ای نوشتم و از حضرت در مورد توحید
پرسیدم. حضرت با خط مبارک خود به من نوشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُلْهِمِ عِبَادَهُ الْحَمْدَ وَ فَاطِرِهِمْ عَلَى مَعْرِفَةِ
رُبُوبِيَّتِهِ الدَّالِّ عَلَى وُجُودِهِ بِخَلْقِهِ وَ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ عَلَى
أَزْلِهِ...!

بسم الله الرحمن الرحيم، ستایش از آن خدایی که
ستایش را به بندگانش الهام نمود و ایشان را بر فطرت

معرفت و شناخت ربوبیت خویش آفرید، آنکه دلالت

می‌کند وجود خلق و پیدایش آنها بر ازلی بودن او...

سوره فاطر سوره خودسازی بزرگ، برای رسیدن به توحید است. مگر از این زیباتر می‌شود که در آیه ۱۵ سوره فاطر می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

این آیه مبارکه با آیه اول سوره فاطر رابطه‌ی مفهومی عظیمی دارد. اینجا کلام «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و اینجا «وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»

باری دیگر تدبر به «الْحَمْدُ» و «الْحَمِيدُ» نشان می‌دهد که این سوره به ستودگی و مهربانی رهنمون است و برای رسیدن به تحمید این لطافت، صعید طیب از ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾^۱ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ می‌خواهد که مساعدت ترفیع آن را امام صادق (ع) فرمودند که فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِلَيْهِ

يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ﴿١﴾ وَلَا يَتُنا أَهْلَ
الْبَيْتِ وَأَهْوَىٰ بِيَدِهِ إِلَىٰ صَدْرِهِ فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ
عَمَلًا!

بنده حقیر و ضعیف در برابر موضوع مهم و معارف بلند
این کتاب، بدون هرگونه تعارف بیهوده، احساس کوچکی
می‌کنم و از همه صلحا و ابرار بزرگواری که با حسن نیت
خود به مطالعه این کتاب می‌پردازند، امید دعای خیر
دارم.

به محضر حضرت ولی عصر (عج) عرض می‌نماییم:
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي
بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَيُقَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۳۹. در
تفسیر قول خدای عز و جل: «سخنان پاک بسوی او بالا رود و کار شایسته
را بالا برد» فرمود: ولایت ما خانواده مقصود است، و بادست اشاره به سینه
خود نمود و فرمود: کسی که ولایت ما را نداشته باشد، خدا هیچ عملی را
از او بالا نبرد.

الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النُّصْرِ وَظُهُورِ
الْأَمْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَ
أُخْرَاكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ وَأَنْتَ ظُهُورُكَ
وَوَظُهُورُ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ!

أَقْلُ الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِ وَلَايَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

صابر رازگردانی

۱- جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، ج ۱، ص ۳۷؛ بحار الأنوار،

ج ۹۹، ص ۲۱۵؛ صحیفه مهديه، مجتهدی، ص ۵۷۶.